

سید علی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده تاریخ ایران

رساله دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام

نخبگان ملی‌گرای کرمانشاه و هویت ملی ایرانی در دوره معاصر

(از انقلاب مشروطیت: ۱۲۸۵ ه.ش تا دوران جمهوری اسلامی ایران)

استاد راهنما

دکتر علیرضا ملائی توانی

استادان مشاور

دکتر محمدسالار کسرائی

دکتر عبدالرحمن حسنی فر

پژوهشگر

پروانه نادرنژاد

اسفند ماه ۱۳۹۹

فرم ارزشیابی

سپاسگزاری:

انجام پژوهش حاضر که با توجه به خاصیت میان‌رشته‌ای خود، برای نگارنده گسترده و دشوار بود، جز با راهنمایی و ارشاد اساتید گرامی و اندیشمندان، امکان‌پذیر نبود. از همه آنها بی‌نهایت سپاسگزارم. جناب آقای دکتر علیرضا ملائی توانی، استاد راهنمای گرامی این رساله که با حوصله و صبوری، از ابتدای کار تا انتها، بارها به مطالعه این رساله پرداختند و با راهنمایی دقیق خود، به بهبود ارزش علمی این پژوهش، کمک بسیاری نمودند. همچنین جناب آقای دکتر محمدسالار کسرای، استاد مشاور این رساله که با دقت نظر خود، نگرش جامعه‌شناختی و روشی‌شناسی خود به موضوع و با پیشنهادهای مفیدشان، مرا در انجام این پژوهش یاری رساندند. داوران محترم رساله؛ جناب آقای دکتر آیت‌الله میرزایی، جناب آقای دکتر عباس قدیمی، جناب آقای دکتر روح‌الله بهرامی که با طرح نکات ارزنده و انتقادی به افزایش کیفیت این پژوهش کمک کردند و خصوصاً دکتر میرزایی که در استفاده و کاربرد دقیق و یکسان واژگان در سراسر متن مرا یاری نمودند. سرکار خانم دکتر صفورا برومند، استاد گرانقدرم، از ابتدای رساله تا اتمام آن، همواره پاسخگوی ابهامات نگارنده در زمینه مسائل مربوط به تاریخ ایران باستان بودند و نیز هر جا در زمینه تهیه منابع پژوهش، به چالش برخورددم، با دلسوزی زیاد، در فراهم آوردن منابع به من کمک فراوان رساندند. خانواده عزیزم (مادرم، خواهرم و برادرانم) که صمیمانه به من کمک کردند و بدون همراهی مادی و معنوی آنها، پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید.

در پایان از همه کسانی که مرا در انجام این رساله یاری نمودند و نامشان از قلم افتاده، سپاسگزاری می‌کنم.

تقدیم به؛

یاد پدرم

و

مادر مهربانم

چکیده:

یکی از حساس‌ترین گفتمانهای تاریخ معاصر ایران، گفتمان ناظر بر ایرانیّت، ملیّت و قومیت است. علاوه بر آن، مسئله قومیت‌ها چالشی پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران است که خواهان وحدت و همبستگی میان اقوام ایرانی است و خصوصاً با وقوع حوادثی همچون تشکیل اقلیم کردستان در عراق، در صورت لاینحل ماندن مشکلاتی را برای وحدت میان اقوام ایرانی پدید خواهد آورد. بنابراین، ارزیابی اندیشه‌های اقوام و نخبگان ایرانی درباره هویت ملی ایرانی، امروزه بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است تا راه همگرایی و اتحاد ملی ایرانیان هموارتر گردد.

مسئله این پایان‌نامه، تأمل درباره آراء و ایده‌های نخبگان ملی‌گرای کرمانشاهی درباره هویت ملی ایرانی در تاریخ معاصر است. پژوهش حاضر، به منظور بررسی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در آثار این نخبگان صورت گرفته است. نویسنده با استفاده از روش تحلیل محتوا، به بررسی و ارزیابی یکسری متغیرهای از پیش تعیین شده در آثار این اشخاص پرداخته است. بدین معنی که برای بررسی مؤلفه‌های چهارگانه (مؤلفه باستانی، مؤلفه فرهنگی ایران دوره اسلامی، مؤلفه دینی - مذهبی، مؤلفه مدرن و غربی) هویت ملی ایرانی، نتیجه‌های مشخصی در نظر گرفته شده و نویسنده به شمارش و احتساب نمادهای مربوط به آن متغیرها در محتوای آثار این افراد اقدام کرده است. سپس با تنظیم جدولهایی، نسبت میان فراوانی این عناصر با حجم و محتوای آثار مدنظر، به صورت درصد نشان داده شده است.

نتایج این پژوهش بیانگر این است که نخبگان معرفی شده کرمانشاهی، با رویکرد تاریخی‌نگر خود، همواره به ارزشهای ملی و فرهنگی هویت ایرانی وفادار بوده‌اند و وطن‌دوستی و تعهد در برابر حفظ ارزشهای آن، در آثار این نخبگان، یکی از پربسامدترین مفاهیم است. هر چند با توجه به تغییر شرایط، برخی از این نخبگان، تحولات ایدئولوژیکی شدیدی را تجربه کرده‌اند، اما ایرانیّت با نمادهای سرشار خود، در آثار این شخصیت‌ها به اشکال مختلف خود را نشان داده است و نخبگان کرمانشاهی، در کنار ارزشهای ملی و باستانی، هرگز از اهمیت ارزشهای دینی مذهبی موجود در هویت ایرانی نیز غافل نبوده‌اند. نخبگان ایران‌گرای کرمانشاهی، فارغ از اینکه دارای چه مذهب و آئینی بوده‌اند و در چه مقطعی از تاریخ معاصر حضور داشته‌اند، به همراهی با حکومت مرکزی پرداخته‌اند. ضرورت و اهمیت این موضوع، بیان سهمی است که نخبگان ملی‌گرای کرمانشاهی در تاریخ معاصر، در ایجاد وحدت و همگرایی میان اقوام ایرانی داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، ایرانیّت، ملی‌گرایی، وطن، نخبگان کرمانشاه

فهرست مطالب:

صفحه

پیشگفتار.....	۱
فصل نخست: کلیات پژوهش.....	۴
مسئله پژوهش.....	۵
پرسش‌های پژوهش.....	۷
روش تحقیق.....	۸
اهداف پژوهش.....	۱۱
ضرورت و اهمیت پژوهش.....	۱۲
پیشینه پژوهش.....	۱۲
ادبیات نظری: چارچوب مفهومی.....	۱۶
فصل دوم: مولفه‌های هویت ملی ایرانی در آثار ابوالقاسم لاهوتی.....	۳۲
۱-۲. آشنایی با زیست‌نامه ابوالقاسم لاهوتی.....	۳۳
۱-۱-۲. لاهوتی در آثار برجسته شعر و ادبیات فارسی.....	۳۸
۲-۱-۲. لاهوتی در منابع تاریخی.....	۴۲
۳-۱-۲. لاهوتی در آثار نویسندگان تاجیک.....	۴۸
۴-۱-۲. لاهوتی در آثار حزب توده.....	۵۲
۵-۱-۲. بزرگداشت لاهوتی در ایران.....	۵۵

۵۷.....	مراسم یکصد و سی‌امین سالگرد تولد لاهوتی.....	۶-۱-۲
۵۸.....	سنجش نظرها.....	۶-۱-۲
۶۲.....	جمع‌بندی:.....	۷-۱-۲
۶۳.....	عناصرچهارگانه هویت ملی ایرانی.....	۲-۲
۶۴.....	اهمیت نژاد و تاریخ در دیدگاه لاهوتی.....	۱-۲-۲
۶۶.....	شاخص‌های ملی در ایران باستان.....	۲-۲-۲
۷۱.....	شاخص‌های فرهنگی ایران دوره اسلامی.....	۳-۲-۲
۷۶.....	شاخص‌های دینی - مذهبی.....	۴-۲-۲
۸۲.....	شاخص‌های مدرن و غربی.....	۵-۲-۲
۹۰.....	نتیجه‌گیری.....	۶-۲-۲
۹۵.....	فصل سوم: مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در آثار غلامرضا رشیدیاسمی.....	
۹۵.....	۱-۳ . آشنایی با زیست‌نامه رشیدیاسمی.....	
۹۶.....	۲-۳ . دسته‌بندی آثار رشیدیاسمی.....	
۹۷.....	۱-۲-۳ . آثار ذوقی و شعری رشیدیاسمی.....	
۱۰۰.....	۲-۲-۳ . آثار علمی و پژوهشی رشیدیاسمی.....	
۱۰۰.....	۳-۲-۳ . ادبیات در عصر رضاشاه.....	
۱۰۱.....	۴-۲-۳ . رشیدیاسمی و تحقیقات ادبی ایران.....	
۱۰۲.....	۵-۲-۳ . رشید و تاریخ‌پژوهی.....	
۱۰۳.....	۶-۲-۳ . اصلاح زبان در دوره پهلوی.....	
۱۰۳.....	۷-۲-۳ . رشیدیاسمی و مسئله وحدت و هویت ملی.....	

- ۱۰۵..... ۸-۲-۳ . ناسیونالیسم و رسالت تاریخ‌نگاران معاصر.....
- ۱۰۸..... ۹-۲-۳ . باستان‌گرایی و نگارش تاریخ‌های ملی.....
- ۱۱۲..... ۱۰-۲-۳ . سهم نژاد در وحدت میان اقوام ایرانی.....
- ۱۱۲..... ۱۱-۲-۳ . تأثیر اندیشه‌های غربی بر رشیدیاسمی.....
- ۱۱۴..... ۳-۳ . عناصر چهارگانه هویت ملی ایرانی.....
- ۱۱۵..... ۱-۳-۳ . مؤلفه باستانی و ملی.....
- ۱۲۴..... ۲-۳-۳ . مؤلفه فرهنگی ایران دوره اسلامی.....
- ۱۳۲..... ۳-۳-۳ . مؤلفه دینی - مذهبی.....
- ۱۳۷..... ۴-۳-۳ . مؤلفه مدرن و غربی.....
- ۱۴۸..... ۵-۳-۳ . نتیجه‌گیری.....
- ۱۵۱..... فصل چهارم: مؤلفه‌های هویت ملی در آثار کریم سنجابی.....
- ۱۵۲..... ۱-۴ . آشنایی با زیست‌نامه کریم سنجابی.....
- ۱۵۴..... ۲-۴ . رابطه ایل سنجابی با دولت مرکزی.....
- ۱۵۵..... ۱-۲-۴ . نقش کریم سنجابی در وقایع سیاسی دوره پهلوی.....
- ۱۵۷..... ۲-۲-۴ . ناسیونالیسم در دوره پهلوی دوم.....
- ۱۵۹..... ۳-۲-۴ . زمینه تاریخی.....
- ۱۶۰..... ۴-۲-۴ . نقش زنان در جنبش ملی‌شدن نفت.....
- ۱۶۱..... ۵-۲-۴ . عملکرد سنجابی در سالهای پایانی حکومت شاه.....
- ۱۶۱..... ۶-۲-۴ . مؤلفه باستانی و ملی.....
- ۱۶۷..... ۷-۲-۴ . مؤلفه فرهنگی ایران دوره اسلامی.....

- ۱۷۲..... عقیده سنجایی درباره وحدت ملی..... ۸-۲-۴
- ۱۷۵..... مؤلفه دینی - مذهبی..... ۹-۲-۴
- ۱۸۳..... جدائی دین از سیاست در اندیشه ناسیونالیست‌های لیبرال..... ۱۰-۲-۴
- ۱۸۴..... مؤلفه مدرن و غربی..... ۱۱-۲-۴
- ۱۹۶..... نتیجه‌گیری..... ۱۲-۲-۴
- ۲۰۰..... فصل پنجم: مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در آثار میرجلال‌الدین کزازی.....
- ۲۰۱..... زیست‌نامه میرجلال‌الدین کزازی..... ۱-۵
- ۲۰۱..... تأثیر محیط جغرافیایی در ایرانیّت کزازی..... ۲-۵
- ۲۰۲..... کزازی و نگرش بومی‌گرایی..... ۱-۲-۵
- ۲۰۳..... دیدگاه کزازی درباره هویت ایرانی..... ۲-۲-۵
- ۲۰۷..... اهمیت شاهنامه و زبان فارسی از نظر کزازی..... ۳-۲-۵
- ۲۱۰..... اهمیت زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسان..... ۴-۲-۵
- ۲۱۱..... عناصر چهارگانه هویت ملی ایرانی..... ۵-۲-۵
- ۲۱۲..... توزیع فراوانی شاخص باستانی..... ۶-۲-۵
- ۲۲۳..... توزیع فراوانی شاخص فرهنگی ایران اسلامی..... ۷-۲-۵
- ۲۳۲..... توزیع فراوانی شاخص دینی - مذهبی..... ۸-۲-۵
- ۲۳۶..... توزیع فراوانی شاخص مدرن و غربی..... ۹-۲-۵
- ۲۴۰..... ارزیابی مولفه‌های هویت ملی در «برآستان آسمان»..... ۱۰-۲-۵
- ۲۴۱..... بررسی یورکنامه نو..... ۳-۵
- ۲۴۲..... توزیع فراوانی شاخص باستانی..... ۱-۳-۵

- ۲-۳-۵ . توزیع فراوانی شاخص دینی - مذهبی..... ۲۴۷
- ۳-۳-۵ . توزیع فراوانی شاخص فرهنگی ایران اسلامی..... ۲۵۰
- ۴-۳-۵ . توزیع ارزشهای مدرن و غربی..... ۲۵۷
- ۵-۳-۵ . نتیجه‌گیری..... ۲۶۳
- فصل ششم: مؤلفه‌های هویت ملی در آثار محمدعلی سلطانی..... ۲۶۶
- ۱-۶ . زیست‌نامه محمدعلی سلطانی..... ۲۶۷
- ۱-۱-۶ . دیدگاه سلطانی درباره هویت ملی ایرانی..... ۲۷۲
- ۲-۱-۶ . مؤلفه باستانی..... ۲۷۳
- ۳-۱-۶ . مؤلفه فرهنگی ایران دوره اسلامی..... ۲۷۶
- ۴-۱-۶ . مؤلفه دینی مذهبی..... ۲۷۹
- ۵-۱-۶ . مؤلفه مدرن و غربی..... ۲۸۰
- ۶-۱-۶ . نقدی بر جغرافیای تاریخی و..... ۲۸۱
- ۲-۶ . مؤلفه‌های چهارگانه هویت ایرانی..... ۲۸۲
- ۱-۲-۶ . مؤلفه باستانی..... ۲۸۵
- ۲-۲-۶ . مؤلفه فرهنگی ایران اسلامی..... ۲۹۵
- ۳-۲-۶ . مؤلفه دینی مذهبی..... ۳۰۵
- ۴-۲-۶ . مؤلفه مدرن و غربی..... ۳۱۱
- ۵-۲-۶ . نتیجه‌گیری..... ۳۲۳
- فصل هفتم: مقایسه و تطبیق دیدگاهها..... ۳۲۸
- ۱-۷ . مؤلفه باستانی..... ۳۲۹

۳۳۱ مؤلفه دینی مذهبی	۱-۱-۷
۳۳۲ مؤلفه فرهنگی ایران اسلامی	۲-۱-۷
۳۳۴ مؤلفه مدرن و غربی	۳-۱-۷
۳۳۶ تشابهات دیدگاهها	۲-۷
۳۳۸ تفاوت دیدگاهها	۱-۲-۷
۳۴۰ درخواست نخبگان ایران گرای کرمانشاهی	۲-۲-۷
۳۴۳ جدول شماره ۱	۳-۲-۷
۳۴۵ جدول شماره ۲	۴-۲-۷
۳۴۷ نتیجه گیری:	
۳۵۸ کتابنامه:	

پیشگفتار:

رساله حاضر درباره دیدگاه نخبگان کرمانشاهی در مورد هویت ملی ایرانی است. چنانکه که پیداست، هویت ملی، بالاترین سطح از دسته‌بندی‌ای است که پژوهشگران در مورد هویت انجام داده‌اند. موضوع هویت ملی، یکی از موضوعات مورد علاقه اندیشمندان حوزه علوم انسانی است. امروزه، عده‌ای از اندیشمندان و پژوهشگران، خصوصاً رشته‌های تاریخ، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، در آثار خود به آن پرداخته‌اند. هرچند این گرایش، تازگی ندارد و از وقتی که جامعه ایرانی در ارتباط با غرب مدرن قرار گرفت، بسیاری از روشنفکران ایرانی، به مباحث مرتبط با هویت پرداختند و تلاش کردند تا هویت ایرانی را طبق شرایط جدید بازتعریف کنند. همزمان با تأسیس رژیم مشروطه، تلاش‌هایی برای تأسیس دولت ملی و نیز هویت ملی صورت گرفت، اما در ادامه با موجی از حوادث مواجه شد که اصل مشروطیت را دچار بحران کرد و به تبع آن، در زمینه دولت‌سازی مدرن و هویت‌سازی هم با مشکلات فراوانی مواجه شدیم. در این دوره، شاهد گفتگوی نخبگان ایرانی درباره عناصر هویت ملی ایرانی هستیم. صرف وجود این مباحث، به معنای اجماع آنها درباره عناصر هویت‌ساز ملی نیست. پس از ظهور رضاشاه است که به صورت منسجم و برنامه‌ریزی شده، هویت‌سازی جدید ایرانیان بر حسب شرایط موجود، از سوی دولت پهلوی، طرح‌ریزی شد. از میان گرایشها و تعاریف متنوع نخبگان و روشنفکران ایرانی درباره هویت ایرانی، آن تعریفی از هویت برگزیده شد که از سوی حاکمیت پهلوی تقویت و تأیید می‌شد. دولت پهلوی با مداخله در امر هویت‌سازی و ترویج یک گفتمان هویتی ویژه، با استفاده از یک‌سری ابزارها همچون کتاب و روزنامه و...، به تقویت پایه‌های اقتدار خود پرداخت.

باتوجه به اینکه در هر برهه از تاریخ ایران معاصر، شاهد بروز رویدادهایی بوده‌ایم که روشنفکران جامعه را نسبت به آسیب‌پذیری عناصر هویت ملی حساس کرده است، در نتیجه این قشر از فرهیختگان، سعی کردند، با گفتگو درباره وضعیت هویت ملی، مسائل را ریشه‌یابی و سپس به دنبال راه چاره برآیند. این وضعیت تا زمان اکنون که به تعبیری سرآغاز قرن پانزدهم شمسی است، در میان اندیشمندان و محققان علوم انسانی استمرار داشته است. گرچه هرکدام از رشته‌های دانشگاهی، از زاویه دید خاص معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آن رشته، به موضوع هویت نگریسته‌اند. اما معمولاً پژوهشگران این عرصه، اهداف مشترکی دارند و آن، حل بحران‌های هویتی (قومی/ملی) موجود در جامعه است و هریک راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهند.

تاکنون درباره نخبگان کرد کرمانشاه و نگرش آنها به هویت ملی ایرانی، هیچ کتاب یا رساله‌ای به صورت منفرد نگاشته نشده است. صرفاً در آثاری همچون «ایرانیت، ملیت، قومیت»، از اصغر شیرازی، به صورت مختصر به مواضع نخبگان کرد کرمانشاه، نسبت به جنبش مشروطیت و دیدگاه آنها درباره هویت ملی ایرانی پرداخته شده است. اما در یک‌سری پایان‌نامه و رساله‌ها، به عملکرد مثبت و درخشان نخبگان کرد اهل سنت در دولتهای صفویه و قاجار پرداخته شده است. با این حال، اصولاً کردهای کرمانشاهی، کمتر موضوع پژوهش کردشناسان داخلی و خارجی واقع شده‌اند.

نگارنده، به عنوان یک دانشجوی تاریخ ایران، سعی کرده است تا موضوع هویت ملی را از دیدگاه نخبگان ملی‌گرای کرد، بررسی کند. چرا که شاهد تنوع مذاهب، آئینها و لهجه‌های حاضر در این منطقه بودم و علایق ایران‌گرایانه هرکدام از طیف‌های قوم کرد را دیده بودم. بنابراین خواستم تفاوت در فضای فرهنگی و فکری کرمانشاه را با سایر مناطق کردنشین نشان دهم. گرایشات وطن‌دوستانه در این خطه، به نسبت سایر بخشهای کردستان ایران، ملموس‌تر است. علت انتخاب این موضوع که مرتبط با نقش وحدت‌گرایی نخبگان کرد در تاریخ معاصر ایران نیز هست، این مسئله بود که نسبت به قوم‌نگاری کردهای کرمانشاه، طی تحصیل در مقطع دکتری تاریخ علاقمند شدم. طوریکه، با راهنمایی اساتید گرامی همچون دکتر سرکارخانم دکتر برومند، به این نتیجه رسیدم که به جای انتخاب موضوعات پژوهشی‌ای که بسیار دور از ذهن می‌نمود، بهتر است، به بررسی جنبه‌هایی از تاریخ محلی کردهای کرمانشاه پردازم که

جای پژوهش دارد و باتوجه به اینکه، نگارنده خود، متعلق به آن جغرافیا هستیم و در نتیجه تجربه زیسته‌ای که پس از سالها بدست آمده، بیش از سایر محققان، واجد شرایط پرداختن به موضوعات کردشناسانه هستیم. بنابراین، موضوعاتی که برای واحدهای پژوهش‌ورزی انتخاب کردم، همه مرتبط با کرمانشاه و یا کردها بود. این پژوهش‌ها، هر کدام به نگارنده کمک کردند تا با اطمینان بیشتری محدوده موضوعی، زمانی و مکانی مرتبط با رساله را برگزینم. بنابراین زمانی که می‌خواستم موضوعی برای رساله دکتری خویش انتخاب کنم، با جناب آقای دکتر علیرضا ملائی توانی؛ راهنمای گرامی رساله حاضر، مشورت کردم و درباره علاقه به موضوعات مربوط به قوم‌نگاری کردها گفتگو کردم و ایشان ضمن تأیید این کار، چند موضوع همچون تاریخچه آموزش و پرورش در کرمانشاه، هویت ملی از دیدگاه نخبگان کرد و... را مطرح کردند. پس از آن یادآوری نمودند، باید سعی کنید که کار پژوهش را در سطح عالی انجام دهید و کار متفاوتی ارائه کنید. بعد از آن، نگارنده مطالعات مقدماتی خود را طی یک سال انجام دادند و سپس با کمک استاد راهنما و همچنین مشاور؛ جناب آقای دکتر محمدسالار کسرابی، نخبگان مدنظر را انتخاب کردیم. یکی از بزرگترین چالشهای نگارش این رساله، انتخاب نخبگان طی بازه زمانی از مشروطیت تا دوران جمهوری اسلامی (اکنون) بود.

طبیعتاً هر شهری را در تاریخ ایران در نظر بگیریم، نخبگان زیادی داشته است. خوشبختانه در زمان تصویب پروپوزال، با راهنمایی اساتید گرانقدرم، تلاش شد تا معیارهای مناسبی طراحی شود که نگارنده بتواند براساس آن ملاکها، از دایره وسیع نخبگان کرمانشاهی، حدود ۱۱ شخصیت را برگزیند. بعدها در زمان نگارش فصل اول کار، طبق پیشنهاد اساتید راهنما و مشاور، قرار شد که بخاطر اینکه انسجام کار حفظ گردد و به هر شخصیتی، متناسب با شأن و جایگاه وی در برهه‌های تاریخی پرداخته شود، برخی از این افراد؛ با اینکه اطلاعات زیادی هم درباره آنها گردآوری شده بود، از موضوع کار حذف گردند، همچون محمدرحیم معینی کرمانشاهی، محمد کیوانپور مکری، علی اشرف درویشیان و... .

محتوای فصول این پژوهش، به صورت زیر است. در فصل اول، نگارنده به کلیات پژوهش پرداخته است. در فصل دوم، پژوهشگر سعی کرده، براساس طرحی که دکتر فرهنگ رجایی در کتابشان ارائه کرده‌اند، هویت ملی ایرانی را دارای چهارعنصر (باستانی، فرهنگی، اسلامی و مدرن) تعریف کند و هر کدام از این عناصر را به نمادهایی تقسیم‌بندی کند. سپس براساس احتساب این نمادها در آثار نخبگان و نیز تحلیل محتوای کیفی آن نوشته‌ها، بتواند به بررسی و ارزیابی دیدگاه ابوالقاسم الهامی (لاهوری) درباره هویت ملی ایرانی بپردازد. نگارنده در جدولهای مربوط به هر عنصر هویت‌ساز، میزان باورمندی نخبگان را نشان داده بود و حتی آن را به درصد تعیین کرده است. لازم به ذکر است که باتوجه به اینکه برخی از شخصیت‌های موردنظر این رساله، دارای چندین کتاب، رساله و نوشته بودند، دانشجوی چاره‌ای نداشت جز اینکه با صلاحدید استاد راهنما، یک اثر اصلی را انتخاب کند که نمونه‌های کمی را از آن انتخاب کند. البته، این به معنی نادیده‌انگاری سایر آثار آن نخبه نبود و نگارنده تمام تلاشش را کرد تا اکثر آثار یک نخبه را مکرراً مطالعه و بررسی کیفی کند و بعد به ارائه دیدگاه آن نخبه بپردازد. در مورد یکی از نخبگان؛ میرجلال‌الدین کزازی، نویسنده دو اثر را بررسی کمی کرده است. یک مجموعه شعر و یک سفرنامه. یکی دیگر از سختی‌های پژوهش درباره کردها، این است که دانشجوی کرد باید سعی کند، دور از تعصبات و علایق قومی خود بنویسد و دورماندن از احساسات و تحلیل منطقی کردن کمی دشوار است.

در فصل سوم، پژوهشگر به بررسی دیدگاه غلامرضا رشیدیاسمی درباره هویت ملی ایرانی پرداخته است. شیوه ارزیابی میزان وفاداری این شخصیت نیز، طبق مواردی بود که در فصل قبل به آن توجه شده بود. به همین ترتیب، در فصول چهارم، شخصیت کریم سنجابی، به لحاظ نگرشی که به هویت ملی ایرانی داشته، در فصل پنجم، شخصیت میرجلال‌الدین کزازی، شاهنامه‌پژوه فارس کرمانشاهی و نهایتاً در فصل ششم، شخصیت محمدعلی سلطانی؛ کردپژوه و کرمانشاه‌شناس، مورد بررسی قرار گرفته است.

به‌عنوان نمونه، یکی از سخت‌ترین فصول این رساله، فصل مربوط به محمدعلی سلطانی است که اتفاقاً آخرین نخبه مورد پژوهش نگارنده هم هست. باتوجه به علایق قومی ایشان و گستردگی پژوهشهای سلطانی درمورد، کردها و کردستان (از جمله کرمانشاهان) و اظهارنظرهای ایشان درباره نام‌آوران ایرانی (که ایشان با تکیه بر یکسری منابع آن چهره‌ها را کرد خوانده‌اند)، نویسنده مجبور بود، همه داده‌های ایشان را در آثار سایر محققان غیرکرد ببیند و پس از حصول اطمینان، به استفاده از آثار سلطانی بپردازد. پس از اختصاص یک فصل به هر نخبه کرمانشاهی، نگارنده، در فصل هفتم: تحت عنوان ارزیابی تطبیقی که در پایان رساله آورده شده و نگارنده در آن به بررسی مقایسه‌ای، نگرش نخبگان کرمانشاهی نسبت به عناصر چهارگانه هویت ملی ایرانی پرداخته است. در این فصل، پژوهشگر به بیان شباهتها و تفاوت‌های هر پنج نخبه کرمانشاهی درباره چهارمؤلفه باستانی، فرهنگ ایرانی، ارزشهای دینی و ارزشهای مدرن و غربی توضیح داده است.

نگارنده، پس از آن، هر مؤلفه را به یک‌سری نمادها و متغیرها، تقسیم‌بندی کرده و گفته است که این نخبگان روی کدامیک از این چهار مؤلفه (منظور نمادهای مربوط به آن است) توافق و همراهی داشتند و چرایی آن را تشریح کرده است. همچنین به اختلاف مقاطع تاریخی و در نتیجه، تنوع گفتمانهای هویتی نیز اشاره کرده و دیدگاه نخبگان را در این زمینه نیز بیان کرده است.

در فصل تطبیقی، گفتیم که همه نخبگان نامبرده شده، روی «مؤلفه ایرانیت» هویت ملی ایرانی تأکید زیادی داشتند. همچنین هر کدام از این پنج نخبه کرمانشاهی، ضمن ارج‌گذاری به دین اسلام و مبانی اعتقادی مسلمین، قران و شخصیت‌های بزرگ اسلامی و تأکید روی «عصر اسلامی»، خواهان تسامح بین مذاهب و آئینهای موجود در جامعه ایرانی بودند. نخبگان کرد و کرمانشاهی، با آگاهی هرچه تمام‌تری به اهمیت عنصر «فرهنگ ایرانی» در هویت ملی و وحدت میان ایرانیان نگریده‌اند. علاوه بر این، گرمی داشت وطن نزد این نخبگان، امری واضح و مبرهن بوده است و همچنین تأکید نخبگان نامبرده را بر برخی از نمادهای مؤلفه مدرنیته غربی، همچون، قانونگرایی، علم‌دوستی و تسامح فرهنگی شاهدیم. همچنین در مورد دو نخبه مربوط به دوران جمهوری اسلامی باید گفت، که اینان بشدت منتقد غرب‌گرایی بودند و معتقد بودند باید برای دور ماندن از آسیبهای مربوط به تهاجم فرهنگ غربی، چاره‌ای اندیشید.

در قسمت نتیجه‌گیری نیز، پژوهشگر به ارزیابی نتایج پژوهش، بر اساس روش تحلیل کیفی و کمی پرداخته است. در این قسمت از پژوهش، به این مطلب اشاره کردیم که نخبگان ملی‌گرای کرمانشاهی در ۱۵۰ سال اخیر، فارغ از هر مذهب و آئینی که داشتند، و فارغ از کارکرد اجتماعی و سنخ‌شناسی نخبگی (اینکه نخبه حوزه ادبیات بودند، یا مورخ، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و یا سیاستمدار و...)، فارغ از برهه تاریخی که در آن قرار داشته‌اند، طرفدار و مروج ایده ایران‌گرایی بوده‌اند و هویت ایرانی و منافع ملی آن را به هویت قومی و منافع قومی - ایلی خویش ترجیح داده‌اند.

در پایان، مجدداً از استاد راهنمای گرانقدرم: جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، سپاسگزارم که با نهایت صبر و حوصله، طی مدت انجام پژوهش، به نگارنده در نگارش این رساله کمک کردند. همچنین، یکی دیگر از اساتید محترم و بزرگوار نگارنده، که با سعه صدر همواره به دانشجو کمک کردند، تا از راه صحیح پژوهش علمی دور نگردند، خانم دکتر صفورا برومند بودند که پاسخگوی تناقضات ذهنی دانشجو بودند. از ایشان هم کمال تشکر را دارم.

فصل نخست: کلیات پژوهش:

مسئله پژوهش:

از دهه ۱۹۹۰م به این سو، جهان شاهد برجسته شدن گفتمان قومیت از حیث نظر و تبلور پویای سیاسی منتج از تنوع قومی و مطالبه حقوق گروه‌های قومی از منظر عملی است. این گفتمان جدید به بازتولید قومیت و سیاسی شدن دوباره تنوع قومی انجامید. علاوه بر آن، هرکس که گفتمان‌های رایج در ایران صدسال اخیر را دنبال می‌کند، متوجه یکی از حساس‌ترین آنها، یعنی گفتمان ناظر بر مسائل ایرانیّت، ملیت و قومیت می‌شود. از ویژگی‌های این گفتمان یکی هم این واقعیت است که به سطح نظری مسئله محدود نمی‌شود، بلکه در عمل به صورت برخوردهایی گاه خشونت‌بار و هراس‌انگیز بین نیروها و جریان‌های سیاسی هوادار مواضع مختلف درمی‌آید. از دیگر ویژگی‌های این گفتمان، وزن سنگین عاطفی و شدیداً ایدئولوژیک آن است که مانع از پردازش خردمندانه آن می‌شود.^۱

دردوران جدید تغییراتی در سطح جهان و سپس در ایران به وجود آمد که در کنار جنبه‌های مثبت خود، موجب بروز بحران و پیدایش جنبش‌های قوم‌گرایانه نیز شد. با شروع فرایند دولت - ملت‌سازی در ایران، به موازات ناسیونالیسم ملی، شاهد رشد و گسترش ناسیونالیسم قومی در میان برخی از اقوام ایرانی نیز هستیم که تاکنون هم تداوم داشته است. گرایش‌های سیاسی قومیت‌ها در ایران به شکل مدرن در اواسط قرن بیستم میلادی ظهور کرد. قبل از آن، قیام‌های ایلات کرد علیه دولت مرکزی، ماهیت سیاسی نداشت و بیشتر شورش‌های قبیله‌ای بود.^۲

اندیشمندان علوم سیاسی، نقش‌آفرینی نیروهای بین‌المللی و نخبگان قومی را در کنار ساخت دولت ملت مدرن رضاشاه در روند پیدایش و رشد قومیت‌گرایی در ایران مؤثر می‌دانند. امروزه، مسئله هویت، با توجه به اینکه با پدیده مهمی همچون جهانی شدن و پیدایش دهکده جهانی مواجه‌ایم، نه تنها اهمیت خود را ازدست نداده، بلکه به علت زنده شدن احساسات فرهنگی، قومی، زبانی و محلی در سراسر جهان بیشتر از قبل حائز اهمیت شده است.^۳

به زعم اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، مسئله قومیت‌ها چالشی پیش روی نظام جمهوری اسلامی است که خواهان وحدت همه اقوام و همبستگی ملی است و خصوصاً با وقوع حوادثی همچون تشکیل اقلیم کردستان در عراق در صورت لاینحل ماندن، مشکلاتی را برای یکپارچگی و وحدت بین اقوام در ایران پدید خواهد آورد.^۴

درواقع هیچ‌یک از گروه‌هایی که به لحاظ لهجه، نژاد، مذهب در ایران دارای ویژگی‌های متفاوت‌اند، (به‌ویژه کردها، بلوچ‌ها و آذری‌ها)، گروه‌های غیربومی جامعه ایران محسوب نمی‌شوند و از قرن‌ها پیش در درون مرزهای ایران به

۱. علی کریمی، جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی تهران: سمت، ۱۳۹۶، چاپ دوم، صص ۶۱ و ۲۶۰.

۲. اصغر شیرازی، ایرانیّت، ملیت، قومیت، تهران: انتشارات جهان کتاب، ۱۳۹۵، چاپ اول، صص ۹.

۳. حمید احمدی، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶، چاپ سیزدهم، صص ۹۲.

۴. کریمی، قبلی، صص ۳۳۱.

۵. محمدجعفر جوادی‌ارجمند، بررسی نقش هویت ملی در امنیت پایدار، منطقه کردستان ایران، نشریه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۱۶۴-۱۵۹.

سر می‌برده‌اند. از سوی دیگر، دولت در ایران هیچگاه قوم‌محور نبوده و گروه‌های گوناگونی در سرنوشت سیاسی آن مشارکت داشته‌اند.

براین اساس است که نخبگان معاصر کرمانشاهی همچون لاهوتی، رشیدیاسمی، سنجابی، سلطانی و میرجلال‌الدین کزازی، با افتخار سرگذشت نیاکان خود را در صفحات فلات ایران طی ادوار مختلف ذکر کرده‌اند. به‌زعم دکتر کزازی: کردها هر جا که رفته‌اند، نمایندگان و سفیران فرهنگ و آئین ایرانی بوده‌اند و پیوند کردها با سایر ایرانیان، هیچگاه گسستنی نبوده است.

براساس منابع تاریخی، تا پیش از اینکه نمادهای قومی در میان اقوام کرد ایرانی سیاسی شوند، وضعیت به این صورت بود که رؤسای ایلات در منطقه خود صاحب اختیارات و نفوذ بیشتری بودند و ارتباطشان با دولت مرکزی بر مبنای الگوی شناسایی متقابل استوار بود. دولت قاجار، این رؤسای ایلات را به‌مثابه نمایندگان خود می‌شناخت و آنها نیز متقابلاً، در امر جمع‌آوری مالیات و یا تدارک نیروی نظامی، به دولت کمک می‌کردند. روی کار آمدن رضاشاه این الگو را از بین برد. زیرا بنیان سلطنت او متکی به ارتش و بوروکراسی مدرن به‌شیوه غرب بود.^۱ واقعیت این است که اغلب محققان قومیت و ناسیونالیسم، نقش مهم سیاست بین‌المللی در خلق ناسیونالیسم و کشمکش قومی را نادیده گرفته‌اند. اما محققانی مانند عبدالسعید و سیمون، رایان، شیلز و ... که به نقش نیروهای خارجی توجه داشته‌اند، بیشتر بر نقش آنها در کشمکش قومی تأکید کرده‌اند، تا بر سهم آنها در خلق و تشویق شکل‌گیری هویت‌های قومی مشخص و حمایت از جنبش‌های ملی قومی.^۲

در ظهور قومیت و قوم‌گرایی، متغیرهای سه‌گانه مهمی اعم از دولت مدرن، نخبگان سیاسی و نیروهای بین‌المللی نقش داشته‌اند. در واقع نیروهای بین‌المللی، در تشویق و تقویت گرایش‌های محلی گرا در ایران، نقش به‌سزائی داشتند. این امر، به‌ویژه در بحران‌های آذربایجان و کردستان در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۴ ه.ش، بسیار آشکار بود. این تحولات در بلوچستان، طی سال‌های اواخر دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۴۰ و اوایل دوران انقلاب اسلامی در کردستان روی داد.^۳ پژوهشگران مباحث قومی و هویتی در ایران، اذعان دارند که هر کدام از این اقوام، در بزنگاه‌های تاریخی و برهه‌های مهمی از تاریخ این کشور، در حفظ و بقای تمدن ایرانی کوشیده‌اند و از مرزهای آن با ایثار جان خویش پاسداری کرده‌اند.^۴ در این پژوهش، تمرکز اصلی روی دیدگاه‌های نخبگان جامعه کرمانشاه درباره هویت ملی ایرانی است. کرمانشاه یکی از شهرهای تاریخی غرب کشور است که به لحاظ موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی در تاریخ ایران همواره حائز اهمیت بوده است. این شهر کهن، حداقل از آغاز قاجاریه به بعد در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران سهم بسزایی داشته است. در دوره قاجار، این شهر جزء حکمرانی دوم بوده است که شامل کردستان،

۱. حمید احمدی، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶، چاپ ۱۳، ص ۱۶۷

۲. همان، پیشین، صص ۱۷۶ و ۱۷۷

۳. شیرازی، ایرانیت، ملیت، قومیت، ص ۳۷۵

۴. مجتبی مقصدی، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران از ۵۷-۱۳۲۰، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۰، ص ۳۲

کرمانشاهان، سرحد عراقین و لرستان بوده است و آن را با عنوان ولایت کرمانشاهان می‌شناختند. اکثریت جمعیت این شهر، کردزبان و شیعه مذهب هستند. هرچند شاهد تنوع زبان و لهجه‌های کردی و نیز فرّ ق دینی در این سامان هستیم، اما همواره اندیشمندان و آزادمردان فراوانی از طیف‌های گوناگون فرهنگی در آن دیار زیسته‌اند و در پاسداری از خاک وطن، بزرگداشت آزادی و تلاش برای آبادانی آن کوشیده‌اند که شایسته است دیدگاه‌ها و اندیشه‌های وطن‌دوستانه فرهیختگان و صاحب‌فکران آن، شناسایی و معرفی شوند.

نخبگان و روشنفکران کرمانشاهی همچون؛ ابوالقاسم لاهوتی، غلامرضا رشید یاسمی، کریم سنجابی، میرجلال‌الدین کزازی و محمدعلی سلطانی، راجع به هویت ملی نظر خاصی داشته‌اند و بر اصالت ایرانی کردها تأکید کرده‌اند که تاریخ و فرهنگشان با سایر اقوام ایرانی پیوسته و گره خورده است. میرجلال‌الدین کزازی کردها را مبلغان فرهنگ ایرانی می‌داند و اشاره دارند: «هرجا کردی هست، فرهنگ ایرانی تا آنجا ریشه دوانده است». ایشان همچنین راجع به ارتباط بین زبان کردی و فارسی، زبان کردی را نیا و زبان فارسی را نواده معرفی کرده‌اند.

مسئله دیگری که در این پژوهش سعی در بیان آن داریم، این است که کرمانشاه بافت فرهنگی بسیار متفاوتی با سایر استان‌های کردنشین همجواردارد. چرا که خرده‌فرهنگ‌های کردی زیادی را در شهرها و روستاهای خود جای داده است. تنوع دیدگاه‌ها و باورها در این شهر، سبب ایجاد فرهنگ سیاسی متفاوت آن با سایر گروه‌های قومی کرد در کردستان و آذربایجان غربی شده است. برخی از نخبگان کرمانشاهی، در دوران پهلوی در احزاب شناخته‌شده‌ای مانند جبهه ملی ایران فعال بودند. اکثر نخبگان کرمانشاهی به مبارزه پارلمانی و آگاه‌سازی فرهنگی مردم باور داشتند و قلم را سلاح خود می‌دانستند و هم و غمشان ایجاد بذراگاهی در میان مردم شهرها و روستاها بود. با توجه به آنچه گفته شد، این رساله قصد دارد؛ مواضع، اندیشه‌ها و عملکرد نخبگان ایران‌گرای کرمانشاهی را از انقلاب مشروطیت تا دوران جمهوری اسلامی بررسی کند و دیدگاه آنها را در مورد هویت ملی ایرانی شرح دهد.

پرسش‌های پژوهش:

پرسش اصلی پژوهش:

نخبگان ایران‌گرای کرمانشاهی درباره هویت ملی ایرانی در دوره معاصر (از مشروطیت تا امروز) چگونه می‌اندیشیدند؟

پرسش‌های فرعی پژوهش:

۱: نخبگان ایران‌گرای کرمانشاهی، در پژوهش حاضر چه کسانی هستند؟

۲: چه همسانی و ناهمسانی‌ای میان نگرش نخبگان کرمانشاهی، به هویت ملی ایرانی وجود دارد؟

۳: کدام یک از مؤلفه‌های چهارگانه هویت ملی ایرانی (مؤلفه باستانی، مؤلفه فرهنگی ایران دوره اسلامی، مؤلفه دینی - مذهبی، مؤلفه مدرن و غربی) در آثار نخبگان کرمانشاهی، به صورت برجسته تری نمود یافته است؟ چرا؟

۴: نخبگان کرمانشاهی، چه سهمی در انسجام بخشی روابط میان کردها و سایر اقوام ایرانی داشته‌اند؟

روش تحقیق:

روش تحقیق در این رساله، روش ترکیبی* (آمیخته) است. این روش، رویکردی پژوهشی است که هر دو صورت پژوهش کمی و کیفی را تلفیق کرده، یا به هم پیوند می‌دهد. رویکرد ترکیبی، مستلزم استفاده از رویکردهای کمی و کیفی و ترکیب هر دو روش، در یک مطالعه یا پژوهش است. به دلیل جدید بودن روشهای پژوهش ترکیبی در علوم اجتماعی و انسانی، به عنوان یک رویکرد پژوهشی متمایز، به منابع زیر که در این زمینه هستند، اشاره می‌شود. چندین منبع زیر، ورود این نوع پژوهش را رشته‌های علوم انسانی نشان می‌دهند که شامل «روانشناسی و ماتریس چندخصیصه‌ای - چندروشی کمبل و فیسک (۱۹۵۹م)»، «همگرا کردن و همسوسازی منابع مختلف داده‌های کمی و کیفی جیک (۱۹۷۹م)»، «تدوین یک روش‌شناسی متمایز پژوهشی (کرسول و پلانوکلاک، ۲۰۰۷م)»، «جنبش سوم روش‌شناسی تشکری و تدلی (۱۹۹۸م)» هستند.

ضرورت کاربرد این رویکرد، زمانی مشخص می‌شود که هر یک از رویکردهای کمی یا کیفی به تنهایی، برای فهم روش یک مسئله پژوهشی کافی نباشد و یا اینکه استفاده از نقاط قوت هر دو پژوهش کمی و کیفی باهم، بهترین درک را از مسئله فراهم آورد. بهر حال، روشهای ترکیبی، به نسبت رویکردهای دیگر جدیدتر و موثقتر است. چندین نوع گونه‌شناسی برای طبقه‌بندی و شناسایی انواع راهبردهای روشهای ترکیبی (دست‌کم شش مدل اصلی در روش ترکیبی) وجود دارد که پژوهشگران در مطالعه روشهای ترکیبی خود از آنها استفاده می‌کنند.^۱

در یک دسته‌بندی کلی، روش ترکیبی به دودسته همزمان و متوالی تقسیم می‌شود. در این رساله از «روش ترکیبی همزمان» استفاده شده است. بدین معنی که نگارنده، هر دو رویکرد را، همزمان با هم پیش برده است. بنابراین، از آنجا که صرفاً روش تحلیل محتوای کمی، روایی و اعتبار لازم را برای بررسی دیدگاه‌های نخبگان کرمانشاهی در مورد هویت ملی ایرانی ندارد، نگارنده، با مطالعه همه آثار نخبگان نامبرده و نیز بررسی نوشته‌های سایر

* Mixed method research

۱. جان دبلیو کرسول، رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی (طرح پژوهش)، ترجمه علیرضا کیامش و مریم دانای طوس، تهران: جهاد دانشگاهی علامه طباطبایی، ۱۳۹۱، چاپ ۸، صص ۳۸۹ و ۳۴۸، ۱۶۲، ۱۴۰، ۵۴.

پژوهشگران در مورد این شخصیتها، به تحلیل کیفی دیدگاه نخبگان کرمانشاهی پرداخته است. علاوه بر آن، کوشیده است با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی دست کم یک اثر مهم از این نخبگان را به صورت کمی ارزیابی کند و نتایج آن را در قالب جدول و اعداد نشان دهد.

درواقع، نویسنده در قالب ۴ جدول، به تحلیل محتوای کمی نگرش هر یک از نخبگان پرداخته و در جدول شماره ۵، به یک جمع بندی نهایی درباره عناصر چهارگانه هویت ایرانی پرداخته است. در تحلیل کیفی نیز، به ارائه نقل قولهایی از آثار این نخبگان پرداخته و در قالب بندها و جمله‌هایی، دیدگاه نخبگان یادشده را تحلیل کیفی کرده است. سپس در مرحله نتایج، به ترکیب و جمع بندی داده‌های حاصل از دو رویکرد (کمی و کیفی) اقدام کرده است. استفاده از هر دو رویکرد، قطعاً به شناخت بهتر دیدگاهها و نیل به نتایج دقیق تر درباره نگرش این نخبگان به هویت ملی ایرانیان منجر خواهد شد.

الف) جمع آوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی است. به این معنی که نویسنده یکبار به صورت تحلیل کمی یک اثر منتخب، از میان آثار نخبگان مورد نظر پایان نامه، به بررسی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی پرداخته است. بدین منظور، ابتدا به شمارش کمی واژگان یا جملات اثر مشخصی (منظوم یا مثنوی) که در واقع همان جامعه آماری تحقیق است، پرداخته. [لازم به ذکر است که از قبل، نمادها و متغیرهایی، از سوی نگارنده تعریف شده که نشانگر ارزشهای چهارگانه هویت ملی ایرانی است.] سپس به احتساب فراوانی نمادهای مرتبط به عناصر چهارگانه هویت ملی ایرانی اقدام کرده است. در نهایت، این فراوانی‌ها به صورت درصد نشان داده شده است. پس از آن، در پایان پژوهش، نویسنده به مقایسه تطبیقی دیدگاههای هریک از نخبگان ایران- گرای کرمانشاهی درباره هویت ملی ایرانی پرداخته است.

در روش تحلیل محتوای کمی، فرض بر این است که فراوانی بیشتر یک واحد، نشانگر اهمیت و جایگاه آن در متن مورد نظر است. با توجه به محدودیتهای روش کمی و عدم دریافت و درک معانی پنهان در پس اجزای متن، تحلیل محتوای کیفی، به درک موضوع تحقیق، با در نظر گرفتن بافت ارتباطی‌ای که موضوع مطالعه در آن ریشه دارد، مانند نیت مؤلف و ویژگیهای متن و ... کمک می‌کند. به یک معنی؛ تحلیل کیفی، میان موضوع پژوهش و داده‌های آن و بافت معنایی متن پیوندی استوارتر برقرار می‌سازد.

ب) در سطح دوم، نویسنده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، به تحلیل و استنباط کیفی پیامهای پنهان در محتوای آثار نخبگان کرمانشاهی درباره هویت ملی ایرانی اقدام کرده است. در نتیجه، استفاده ما از این روش، برای درک پیام‌های مندرج و مستتر در این آثار، در ارتباط با هویت ملی ایرانی و سپس استنباط و نتیجه‌گیری این پیامها

صورت گرفته است. طبقاً استنباط، دلیل وجودی هر تحلیل محتوایی است. استنباط، تمام شناختی را که تحلیل‌گر محتوا، درباره نحوه رابطه داده‌ها با متن‌شان دارد، به کار می‌گیرد و این شناخت با توفیق در استنباط است که تحکیم می‌گردد.^۱ با توجه به حجم فراوان آثار نخبگان ملی‌گرای کرمانشاهی در این پژوهش، صرفاً به ذکر عبارتهای معنادار و فشرده‌ای از این آثار اکتفا شده است. البته، کوشیده‌ایم این عبارتهای با دقت و وسواس لازم انتخاب شوند، تا مراد نویسندگانشان را بازتاب دهند. بنابراین، در روش کیفی نیز، نگارنده قصد پاسخگویی به این سؤال را دارد که روح حاکم بر آثار نخبگان ملی‌گرای کرمانشاهی درباره هویت ملی ایرانی، چیست؟ مزیت روش کیفی تحلیل محتوا، این است که با استفاده از آن می‌توان به تفسیر متن در سطوح عمیق معنایی دست یافت. بر همین مبنا نویسنده در ذیل به معرفی روش تحلیل محتوا پرداخته است.

سالهای ۶۰-۱۹۵۰م، دوره گسترش روش تحلیل محتواست. تعریف برلسون از تحلیل محتوا، اعتقادات مربوط به فنون و قواعد این دوران را نشان می‌دهد. جایی که سایر روشهای تحقیق سنتی خاتمه می‌یابد، تحلیل محتوا شروع می‌شود. این روش شامل یک فن دقیق برای توصیف عینی، منظم و مقداری محتوای آشکار ارتباط است.^۲ تحلیل محتوا مجموعه‌ای از ابزارهای روش‌شناسی بیش از پیش دقیق است که به طور مستمر پیشرفت کرده و در مورد گفتمان‌های بسیار گوناگونی (حاوی محتوا) بکار می‌رود. عامل مشترک این فنون متعدد و فزاینده، از محاسبه بسامدها که اطلاعات ارقامی می‌دهند، تا استخراج ساخت‌هایی که به صورت نمونه درمی‌آیند. هنر تفسیر و نقادای اطلاعات است که بر مبنای استنتاج قرار دارد. یعنی استنباط، همچون تلاش برای تفسیر و تحلیل محتوا، بین دو قطب عینیت و ذهنیت در نوسان است.^۳

طی سالهای قرن بیستم و همزمان با رشد علوم و فنون مختلف، کاربرد روش تحلیل محتوا گسترش چشم‌گیری یافت. در ابتدای قرن گذشته، تحلیل محتوا محدود به بررسی پیامهای ارتباطی بود که در قالب مطبوعات به چاپ می‌رسید. همزمان با گسترش بین‌رسانه‌ای، دامنه تحلیل محتوا از علوم ارتباطات به سایر عرصه‌های علوم اجتماعی از جمله علوم سیاسی، ادبیات، تاریخ، جامعه‌شناسی، روانکاوی نیز کشیده شد و امروزه، به صورت گسترده در بیشتر رشته‌های علوم اجتماعی، از قابلیت این روش در شناخت و تجزیه و تحلیل و ارتباطات استفاده می‌شود.^۴ به عقیده برلسون تحلیل محتوا، نوعی تکنیک پژوهش است که برای توصیف عینی، منظم و تا آنجا که ممکن است کمی محتوای ارتباطات با هدف نهایی تفسیر داده‌ها بکار می‌رود.^۵

۱. کلوکس کریپندورف، تحلیل محتوا (مبانی روش‌شناسی)، هوشنگ نایبی، تهران: نشرنی، ۱۳۹۷، چاپ ۱۱، ص ۷۱
۲. لورنس باردن، تحلیل محتوا، ترجمه محمد یمینی دوزی سرخابی و اشتیانی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، چاپ اول، ص ۱۴
۳. همان، پیشین، ص ۳۰
۴. عبدالکریم محمد و روح انگیز طاهری، معرفی و نقد کتاب روش تحلیل محتوا، راهنمای عملی تحقیق، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره جدید، اردیبهشت ۱۳۸۸، ش ۱۴، ص ۵۶
۵. باقر ساروخانی، روشهای تحقیق در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۱۲۹

دانیل رایف، استفن لیس، فردیک جی. فیکو (۱۳۸۱) این روش تحقیق را آزمون نظام‌مند و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی می‌دانند که در آن ارزشهای عددی براساس قوانین معتبر اندازه‌گیری، به متن نسبت داده می‌شوند و سپس با استفاده از روشهای آماری روابط بین ارزشها تحلیل می‌شود. کلوس این شیوه را یکی از مهمترین تکنیک‌های پژوهش در علوم اجتماعی می‌شناسد که در پی شناخت داده، نه به منزله مجموعه‌ای از رویدادهای مادی، بلکه به منزله پدیده‌های نمادین است و بدون ایجاد اختلال در واقعیت اجتماعی به تحلیل آنها می‌پردازد. ^۱ نفع عمده این شیوه غیراز کارکردهای اکتشافی و بررسی‌کننده، در این است که فاصله بین شهود و یا فرضیات ابتدائی و تفسیر نهایی را به اجبار طولانی می‌کند. ^۲ این عمل بر اثر توصیف محتوای ارتباطات استخراج نتیجه، درباره معنی آن و پی بردن به بافت و زمینه ارتباط هم در مرحله تولید وهم مرحله مصرف صورت می‌گیرد. ^۳

روش تحلیل محتوا، یکی از مباحث مهم و کاربردی است که پژوهشگران با استفاده از این روش به واری داده‌های خود می‌پردازند. این روش کمی است و در مباحث علوم اجتماعی کاربرد زیادی دارد.

به عبارت دقیق‌تر، منظور از این روشها، مجموعه‌ای از رویکردها و فنون است که ویژگی مشترک تمام آنها، ارزیابی و کمی‌سازی ابعاد مختلف محتوا است. ^۴ از این طریق می‌توان به تحلیل گفتار، نوشتار، از قبیل مقالات، کتابها، سخنرانی‌ها، فیلم و ... پرداخت. تحلیل محتوا به پژوهشگر کمک می‌کند، تا لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با موضوع پژوهش را بدست آورد و به اهدافی که پژوهش در راستای آن صورت می‌گیرد نزدیک شود. ^۵ کرلنجر معتقد است که تحلیل محتوا دارای روشهای زیر می‌باشد.

الف: تحلیل محتوا روشی نظام‌مند است، به این معنا محتوایی که قرار است مورد ارزیابی قرار گیرد، باید براساس قواعد روشن و ثابتی برگزیده شود.

ب: تحلیل محتوا روشی عینی است، بنابراین ساخته‌های عینی ذهنی پژوهشگر نباید در آن دخالت داشته باشد.

ج: از آنجا که تحلیل محتوا کمی است. هدف اصلی تحلیل محتوا بازنمایی دقیق مجموعه‌ای از پیام‌ها می‌باشد. ^۶

اهداف پژوهش:

۱. کریپدورف کلوس، مبانی روشن‌شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: انتشارات روش، ۱۳۷۸، چاپ ۱، صص ۷-۹
۲. لورنس باردن، تحلیل محتوا، ترجمه محمد یمینی دوزی سرخابی و ملیحه اشتیانی، قبلی، ص ۷
۳. آرزو رحیم سلمانی، مروری بر روش تحلیل محتوا، مندرج در آئینه پژوهش، آذر و اسفند ۱۳۹۱، ش ۱۳۸ و ۱۳۷، ص ۳۰
۴. خدیجه علی‌پور مقدم تحلیل محتوا، راهنمای عملی، و دیگران، تهران: انتشارات اکبرزاده، ۱۳۹۳، چاپ اول، ص ۱۱۶
۵. روح الله رضوانی، تحلیل محتوا، مندرج در عیار پژوهش در علوم انسانی، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ش ۳، ص ۱۳۷
۶. همان، قبلی، ص ۱۴۰

هدف کلی نگارنده، پرداختن به مسئله هویت ملی از دیدگاه متفکران ملی‌گرای کرمانشاهی، به‌عنوان یکی از مسائل جامعه ایران معاصر است. با توجه به اینکه نخبگان کرد کرمانشاهی، در دوران معاصر؛ از دوران مشروطیت تا زمان حاضر، همواره سهم قابل توجهی را در ایجاد همگرایی بین کردها با سایر اقوام ایرانی داشته‌اند، در این پژوهش سعی کردیم، برخی از این نخبگان کرمانشاهی وطن‌پرست و ملی‌گرا را از منظر رویکردشان به هویت ملی ایرانی معرفی کنیم.

ضرورت و اهمیت پژوهش:

علت اهمیت این موضوع، وجود تمایلات قومی در کشور، نابرابری توزیع توسعه اقتصادی در مناطق مختلف کشور، از جمله در مرزهای غربی کشور و احساس تبعیضی است که ممکن است، در میان برخی از اقشار و گروه‌های قومی دیده شود و سرانجام تحولات اخیر کشورهایی است که کردها، بخشی از جمعیت آنرا تشکیل می‌دهند و تأثیراتی که ممکن است این تحولات روی کردهای ایران داشته و یا خواهد داشت. از سوی دیگر، شهر کرمانشاه علی‌رغم اهمیت تاریخی فراوانی که در یکصد سال اخیر داشته است، به دلیل بافت فرهنگی متفاوت خود، کمتر موضوع کار کرد پژوهان داخلی و خارجی به نسبت سایر استان‌های کرد شمال غربی قرار گرفته است. این پژوهش می‌تواند خلأ موجود در این حوزه را تا حدی پر کند و بخشی از تاریخ کردهای کرمانشاهی و نیز رویکرد آنها نسبت به هویت ملی ایرانی را روشن نماید.

پیشینه پژوهش:

در آثار زیادی به نقش نخبگان کرد کرمانشاهی (به صورت منفرد و نه طیف‌های مختلف آنها) در تاریخ معاصر، به‌طور کلی پرداخته شده است. اما صرفاً به صورت بخشی از کردهای ایران و مواضع‌شان نسبت به مشروطیت بررسی شده است، تاکنون اثری درباره رویکرد نخبگان ملی‌گرای کرمانشاهی نسبت به هویت ملی نوشته نشده است. البته ممکن در پژوهش‌های مرتبط با موضوع قومیت و ملیت، به صورت فرعی به برخی از این نخبگان اشاره شده باشد.

۱: «ایرانیّت، ملیّت، قومیت» از اصغر شیرازی؛ ۱۳۹۵

یکی از جدیدترین آثاری که در حوزه مطالعات مربوط به قومیت نوشته شده، اثری به نام «ایرانیّت، ملیّت، قومیت» از اصغر شیرازی است که در سال ۱۳۹۵، مؤسسه فرهنگی هنری جهان کتاب، آن را چاپ کرده است و در آن